

ورزش در اسلام

محمد علی خالدي

«سلطان العلماء»



نشر احسان

فروشگاه مرکزی: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰
فروشگاه: تهر ان-خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران مجتمع فروزنده طبقه اول شماره
۴۰۶ - تلفن: ۶۹۵۴۴۰۴

نام کتاب : ورزش در اسلام

تألیف : محمد علی خالدي «سلطان العلماء»

ناشر : نشر احسان

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

نویت چاپ : اول ۱۳۸۲

چاپ : چاپخانه مهارت

شابک: ۹۶۴-۳۵۶-۲۴۱-۷ ISBN: 964-356-241-7

قیمت: ۲۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه	۴
معنای ورزش	۴
رابطه‌ی ورزش و عبادت	۵
شنا	۹
اسب سواری	۹
پیاده‌روی	۹
توپه‌بازی	۹
فوتبال	۱۰
احسان	۱۰
مسابقات	۱۲
دلایل جواز مسابقات	۱۳
مسابقه‌ی اسب سواری	۱۴
مسابقه‌ی تیراندازی	۱۵
مسابقات کشتی‌گیری	۱۶
مسابقات وزنه‌برداری	۱۶
حکم مسابقات اسب سواری و تیراندازی	۱۷
مسابقات شطرنج	۱۷
حکم جوایز مسابقات	۱۹
جوایز علمی	۲۲
حکم قرارداد مسابقه	۲۵
مسابقات علمی و جوایز موسسات	۲۸
قرعه‌کشی	۳۲
توصیه	۳۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على المبعوث
رحمة للعالمين، و آله الطاهرين و صحبه اجمعين

یکی از دوستان درخواست نمود تا جزوه‌ای مختصر درباره‌ی ورزش بنویسم، تا هم برای کودکان مفید باشد و هم بزرگسالان از آن استفاده نمایند. می‌دانیم که اگر ورزش از روی اصول و قواعد انجام شود، هم برای دین مفید خواهد بود هم برای دنیا. دین مطهر اسلام برای پیروانش دوست دارد که در دنیا و آخرت خوش بخت و سرافراز باشند. از این رو است که عبادات را به گونه‌ای مشروع نموده که ورزش نیز در آن تحقق یابد.

در این مختصر به ترتیب از مباحث زیر بحث خواهد شد: معنای ورزش، شرایط و حدود آن، اموری که با جسم تعلق دارند، اموری که با روح در ارتباط هستند، کارهای فردی، کارهای گروهی، و اموری که برای رشد جسم، انبساط روح، خوش اخلاقی، همزیستی مسالمت آمیز و زندگی جمعی سودمند هستند.

معنای ورزش

در زبان عربی برای ورزش کلمه‌ی ریاضت بکار می‌رود. هر کار

درستی که موجب ورزیدگی شود، ورزش نامیده می‌شود.

رابطه‌ی ورزش و عبادت

در تمام عبادات، مفهوم ورزش وجود دارد. در نماز تمام اعضای جسم در انجام فرمان حق تعالی مشارکت دارند. زبان به گفتن تکبیر و قرائت می‌پردازد. پاها جسم را حمل می‌کنند. برای حفظ و تداوم خشوع و خضوع، جلوگیری از بازی‌گوشی، دو دوست زیر سینه، سرهم نهاده می‌شوند. دل با نیت عبادت و خیر اندیشی آراسته می‌گردد. جبین بر خاک می‌افتد و سجده می‌کند. خلاصه تمام اعضای جسم با انجام حرکات مناسب، در طاعت خداوند با هم مشارکت دارند.

در نماز جماعت، مفهوم همبستگی و همیاری وجود دارد. نماز تمام جسم را براساس رضایت خداوند استوار می‌گرداند. این است که نمازگزاران واقعی برخوردار از دلی مهربان هستند و دستی بخشنده، اعمالی شایسته و درونی خیراندیش دارند.

در روزه ورزش عبارت است از دوری گزیدن از خوردن نان و آشامیدن آب و اجتناب از بداندیشی و بدخلقی. روزه‌دار به زیر دستان و بینوایان می‌اندیشد. درون وی باروزه به اطاعت از فرمان حق تعالی انس می‌گیرد و نفس او از پیروی هوای نفس و آلودگی به معاصی و گناهان باز می‌آید.

در زکات نیز ورزش عبارت است از دست و دل بازی و گشاده‌دستی؛ زکات انسان را از خصلت زشت بخل محفوظ می‌دارد زکات دهنده از طریق مددکاری، زیردستان را شاد می‌سازد؛ بینوایان را به

نوا می‌رساند؛ دل را بر اراده‌ی خیر و می‌دارد و از طریق احسان و نیکی، خویشاوندان را شاد و خرم می‌سازد.

در حج هم ورزش مالی و هم ورزش جسمی وجود دارد. طواف، سعی، وقوف، رمی، ورزش‌های جسمی هستند. انفاق مال، آگاهی یافتن از نیازهای امت و کسب انگیزه در دست‌گیری مستمندان و دریافتن مساکین و کوشش در یکپارچه کردن صفوف مسلمانان، در ردیف ورزش‌های مالی قرار می‌گیرند.

در مورد وجود مفهوم ورزش در عبادات بدنی، آگاهی یافتیم و دانستیم که اعضای ظاهری از طریق طاعت و عبادت، استقامت و پایداری کسب می‌کنند. قلب نیز از طریق مهر ورزیدن، با خیراندیشی، روح با آراستگی به طاعت و بندگی و اجتناب از معاصی و گناهان، به نوعی ورزش می‌کنند.

گذشته از این‌ها، علماء برای هر عضوی ورزشی متناسب با توانایی آن در نظر گرفته‌اند. ورزش چشم با نگاه کردن به بالا و پایین و چپ و راست، ورزش سینه با تنفس عمیق در هوای آزاد، ورزش سر و گردن با چرخاندن سر و گردن به چپ و راست و پایین است. همه‌ی این‌ها نزد ورزشکاران شناخته شده است و همه برای حفظ و سلامت اعضا و حواس ضروری است.

پیاده‌روی از ورزش‌های بسیار مهم و حیاتی است. در هر روز حدود شش کیلومتر پیاده روی کردن از بسیاری بیماری‌ها از قبیل قند، یبوست و چربی خون پیش‌گیری می‌کند. بیماری‌های فوق در اثر عدم پیاده‌روی و خوردن و خوابیدن و در رفاه و آسایش بسر بردن پدید

می آیند. مالیدن دست‌ها بر شکم به مدت ده دقیقه قبل از خواب، برای دفع یبوست بهترین دارو است. هفته‌ای یک روز مثل دوشنبه را روزه گرفتن و یک روز هم صرفاً بر آشامیدن آب بسنده نمودن، برای جسم این فرصت را فراهم می‌کند تا مواد زاید را دفع کند.

با کم خوردن و خوب خوردن - از طریق زیاد جویدن غذا در دهان و سپس فرو بردن آن - بطور کلی سلامتی و بهبود جسم حاصل می‌شود. هنگامی که از پرخوری پرهیز شد، غذا بدرستی جویده شد، تا حد جریان یافتن صحیح خون، پیاده‌روی انجام گرفت، روده در زمانی مشخص و بطور معمول تخلیه گردید، در حد نیاز خواب و استراحت انجام گرفت و در اوقات مشخص جسم از طریق ورزش بهبود و سلامتی خود را بدست آورد، زندگی شیرین می‌شود و فکر و اندیشه آسوده می‌گردد.

باید دانست که داشتن اقتصاد و مخارج متعادل و اجتناب از قرض و وام، لازمه‌ی یک زندگی آرام و بی‌دغدغه است. استحمام و شستن بدن بصورت صحیح و خشک کردن بدن با حوله و قبل از صرف صبحانه و در صورت امکان با آب سرد استحکام کردن (البته در صورتی که هوا سرد و فصل زمستان نباشد) سعادت و خوش اخلاقی و نظافت را بیارمی‌آورد. بیشتر دغدغه‌ها و ناراحتی‌ها و خود خوری‌های مردم در اثر عدم رعایت اصول بهداشتی و نداشتن اقتصاد صحیح در زندگی پدید می‌آیند؛ برای اینکه تنگدستی و بدهکاری از علل عمده‌ی ناراحتی‌ها و غم‌ها است.

دهان دروازه‌ی جسم است. پس حتماً باید پیش و پس از خواب با دقت دندان‌ها مسواک زده شوند. همچنین قبل و پس از خواب، با تخلیه‌ی روده‌ها جسم راحت می‌شود. لبخند زدن و تبسم کردن مداوم از

علل عمده‌ی موفقیت در زندگی است. هر آدم عاقلی که می‌خواهد در زندگی کامیاب باشد، این قواعد و اصول را با دقت رعایت می‌کند. برای کسب عادات پسندیده و خصلت‌های نیکو، تمام آنچه گفته شد، ورزش محسوب می‌شوند.

پس از تعهد به اصول فوق، باید همسری خوش خلق و خوب دست آورد، همسری که یار شاطر باشد نه بار خاطر. در همان شب اول هر یکی برنامه‌ها و خواسته‌های خود را برای شریک زندگی خود بازگو کند، تا هر دو شریک زندگی سامان‌دهنده‌ی زندگی و پایه‌گذار سعادت خود و فرزندان خویش باشند. ازدواج را صرفاً نوعی تمتع و بهره‌مندی از همدیگر ندانند، بلکه آن را وسیله‌ای برای تأمین یک زندگی بی‌دغدغه و آسوده بدانند. در ضمن به همدیگر نگاهی محبت‌آمیز و مهرورزانه داشته باشند.

محبت پادزهر تمام بیماری‌های بشری است. اگر بشر که اکنون بیمار است و مثل دیوانگان شعور خود را از دست داده و هم چون درندگان بی‌رحم و خونخوار است و خواب و خیال راحت را از هم نوع خود سلب نموده است، آری اگر بشر به خود می‌آمد و بنا به فرموده‌ی سرور کاینات ﷺ هر کس آنچه را برای خود دوست می‌دارد، برای دیگران نیز دوست می‌داشت و آنچه را برای خود دوست نمی‌دارد، برای دیگران نیز دوست نمی‌داشت، در چنین صورتی دنیا به بهشت تبدیل می‌شد و دشمنی‌ها و خصومت‌ها به محبت و دوستی مبدل می‌گشت.

تا اینجا در مورد ورزش‌های ضروری صحبت شد. اکنون به ورزش‌های متداول می‌پردازیم.

شنا

شنا از بهترین ورزش‌ها است؛ بویژه هنگام غرق شدن آدمی را از مرگ حتمی نجات می‌دهد. هر پدری باید به فرزندش شنا بیاموزد.

اسب سواری

اسب سواری یکی از ورزش‌های سنتی و آبا و اجدادی ما است. هم آدم را چست و چالاک و زرنگ می‌کند، و هم ورزشی است ارزشمند و مفید و در انسان احساس عزت و سربلندی پدید می‌آورد. از قدیم گفته‌اند که سه چیز موجب سربلندی می‌شود: ۱- اسب سواری ۲- استفاده از اسلحه ۳- منبر رفتن و توانایی موعظه و خطابه داشتن. در خصوص موعظه و منبر باید گفت که سخنان سخنران باید سنجیده و مفید باشند و از قلبی خالص و مخلص برخاسته باشند. وگرنه جز زبان درازی نامی دیگر نمی‌توان بر آن نهاد.

پیاده روی

پیاده روی، بهترین و سالم‌ترین ورزش محسوب می‌شود.

توپه بازی

این ورزش از قدیم رایج بوده است. کودکان، جوانان و سالخوردگان همه به این بازی می‌پرداختند. بویژه هنگامی که باران می‌بارید، مغازه‌ها را می‌بستند، و در صحراء به این بازی می‌پرداختند.

فوتبال

فوتبال نیز از ورزش‌های مهم است؛ اما اکنون به جای اینکه یک بازی سالم در وقت مناسب باشد و به سلامتی انسان کمک کند و در انسان شادابی ایجاد نماید، بسیاری از مردم غرب زده و بیمار دل، آن را بهانه‌ای برای چشم و هم چشمی و رقابت ناسالم و دشمنی و عداوت قرار داده‌اند. برای این منظور نهادها و سازمان‌های پرخرج و بی فایده راه انداخته‌اند و هر تیمی برای خود علایم و آرم‌ها و مشخصه‌هایی پیدا کرده است.

مقصود اینکه کار انسان مسلمان صرفاً باید برای بدست آوردن رضایت خداوند باشد. ورزش باید هم برای حفظ تندرستی و نیرومندی جسم باشد و هم روح را شاداب بگرداند.

اکنون که صحبت از وجود مفهوم ورزش در عبادات شد و یادآوری گردید که هر کار نیکویی که انسان مسلمان انجام دهد، جزو عبادات است، جا دارد که از احسان و نیکوکاری که یک اصل مهم برای انسان مسلمان است سخنی به میان آوریم و سپس گونه‌های دیگر ورزش را ذکر کنیم.

احسان

احسان به معنای نیکوکاری است. نیکوکاری یک اصل مهم در زندگی مسلمانان است. احسان و نیکوکاری در عبادت عبارت از همان چیزی است که رسول الله ﷺ ارشاد فرموده است:

«الْإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» احسان

آن است که خدا را طوری عبادت کنی که گویی او را می بینی؛ اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند.

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد احسان وجود دارد:

﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ «برای کسانی که نیکوکاری کنند،

بهشت است و علاوه بر آن، رؤیت خداوند در آخرت».

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ «خدا نیکوکاران را دوست دارد»

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ «یقیناً خداوند اجر کسی را

که نیکوکاری کند، ضایع نمی گرداند».

﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ «و نیکوکاری کنید که خداوند

قطعاً نیکوکاران را دوست دارد».

سرور کاینات ﷺ فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ﴾ «یقیناً خدا خوبی کردن در باره ی

همه چیز را نوشت (که خدامی خواهد مسلمان با همه خوب باشد)

﴿فِي كُلِّ ذَاتٍ كَبِدٌ حَرٌّ أَجْرٌ﴾ در خوبی کردن به هر حیوانی که دارای

جگری تر می باشد، ثواب وجود دارد.

اینک که وجود معنای ورزش در عبادات اسلامی بیان شد و

یادآوری گردید که احسان و نیکوکاری هدف تمام ادیان آسمانی است،

مطالبی در خصوص ضرورت مسابقه دادن در همین امر بیان می شود.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَسَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ

الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ

وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» «مسابقه دهید و بر یکدیگر پیشی گیرید برای رسیدن به آمرزشی که از جانب پروردگار تان است و رسیدن به بهشتی که پهنای آن به اندازه‌ی پهنای آسمان و زمین است. و برای مردمی که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، آماده شده است. این فضل خدا است. به هر کس بخواهد آن را ارزانی می‌کند. و خدا صاحب فضل بزرگ است».

به عبارت دیگر، بهترین مسابقه، مسابقه‌ای است که در راستای نیکوکاری و اطاعت خدا و پیامبر و رسیدن به رضای او و داخل شدن به بهشتی که پهنای آن به اندازه‌ی پهنای آسمان‌ها و زمین است، صورت بگیرد. در این راه باید مسابقه داد و در راه طاعت خدا و خوبی کردن در حق مردم و ایجاد رفاه برای بندگان خدا، بایستی گوی سبقت را در ربود.

مسابقات

مسابقه در زبان عربی به معنای سبقت جستن و پیشی گرفتن بر فرد مقابل است، تازودتر از او به هدف رسید.

هر روشی که برای جهاد مفید است، مسابقه نیز در آن صحیح است. مثل مسابقات دو، کشتی، اسب دوانی، تیراندازی و مسابقه و رقابت در کسب دانش‌های مفید؛ مسابقه در همه‌ی این‌ها جایز است. حکم جوایزی که برای هر یک از این مسابقات در نظر گرفته می‌شود، هنگام ذکر هر کدام، به طور مشروح بیان خواهد شد.

پیامبر خدا ﷺ فرموده است:

«لَا سَبَقَ إِلَّا فِي نَصْلٍ أَوْ خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ» مسابقه نیست مگر در تیراندازی و

شتردوانی و ستوران.^(۱)

دلایل جواز مسابقات

۱- دلایل جواز مسابقات در قرآن وجود دارد:

۱- قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ

برادران یوسف به پدرشان یعقوب گفتند: ما رفته بودیم تاملابقه‌ی دو بدهیم.^(۲)

۲- قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حُمْلٌ بَعِيرٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ

گفتند پیمان‌های راکه شاه با آن آب‌می خورد گم کرده‌ایم و هر کس که آن را بیاورد جایزه‌اش یک بار شتر خوراکی است و من ضامن پرداخت این جایزه هستم.^(۳)

۳- وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ

و برای جهاد با دشمنان هر چه می‌توانید نیرو و تدارک ببینید.^(۴)

۲- دلایل جواز مسابقه از نظر حدیث

مسابقه‌ی دو

۱- عن عائشة رضي الله عنها كانت مع النبي ﷺ في سفر قالت

فسابقته فسبقته على رجلى، فلما حملت اللحم سابقاته فسبقني فقال هذه

بتلك السبقة

عایشه رضی‌الله‌عنها می‌گوید: در یک سفر با رسول‌الله ﷺ همراه بودم من و

۱- روایت احمد، ابوداود، ترمذی و نسائی از ابوهریره رضی‌الله‌عنه

۳- سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۷۲

۲- سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۷

۴- سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۰

پیامبر ﷺ مسابقه‌ی دو گذاشتیم. من بر پیامبر ﷺ سبقت گرفتم. بار بعدی که من فربه شده بودم با او مسابقه دادم. پیامبر ﷺ بر من سبقت گرفت و فرمود: این بردن من در مقابل آن باختن است. (۱)

۲- سلمه بن الاکوع سابق رجلاً من الأنصارِ بینَ يَدَيِ النَّبِيِّ ﷺ
فی یوم ذی قرد
سلمه بن اکوع رضی الله عنه در حضور پیامبر ﷺ در غزوه‌ی ذی قرد با یک نفر از انصار مسابقه‌ی دو گذاشت. (۲)

مسابقه‌ی اسب‌سواری

۳- «عن ابن عمر رضی الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَابَقَ بِالْخَيْلِ الَّتِي قَدْ أَصْمَرَتْ مِنَ الْحَفِيَاءِ وَكَانَ أَمْدُهَا ثَنِيَّةَ الْوَدَاعِ وَ سَابَقَ بَيْنَ الْخَيْلِ الَّتِي لَمْ تُضْمَرِ مِنَ الثَّنِيَّةِ إِلَى مَسْجِدِ بَنِي زُرَيْقٍ، وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ فِيمَنْ سَابَقَ بِهَا»
رسول الله ﷺ مسابقه‌ی دو گذاشت میان اسب‌هایی که برای مسابقه آماده (و تربیب) شده بودند، از حفیاء تا ثنیة الوداع (مسافت ۵ میل، حدود ده کیلومتر) و میان اسبانی که برای مسابقه آماده نشده بودند از ثنیة الوداع تا مسجد بنی‌زریق (که تقریباً نصف آن مسافت است) ابن عمر از جمله کسانی بود که در مسابقه شرکت کردند. (۳)
الخیول المضمرة: رسم بر این بود که اسب‌ها را جهت آمادگی برای شرکت در مسابقه، چند روزی کمتر خوراک می‌دادند و در جایی

۱-روایت ابن ماجه در کتاب النکاح و ابوداود در کتاب الجهاد.

۲-روایت مسلم در کتاب الجهاد و السیر

۳-روایت بخاری و مسلم، عبارت از آن مسلم است.

گرم نگه‌داری می‌نمودند تا عرق کنند و لاغر شوند و بدین صورت برای مسابقه آماده شدند.

مسابقه‌ی تیراندازی

۱- «عن سلمة بن الاكوع رضی اللہ عنہ قال: مرّ رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم على نفر من أسلم ينتضلون فقال: إرموا بنى إسماعيل، فإنّ أباكم كان رامياً، إرموا وأنا مع بنى فلان قال: فأمسك أحد الفريقين بأيديهم، فقال رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: إرموا وأنا معكم كلّكم»

از سلمه بن اکوع رضی اللہ عنہ روایت است که گفت: گذر پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بر چند تن از قبیله‌ی اسلم افتاد که مسابقه‌ی تیراندازی می‌دادند. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: فرزندان اسماعیل، تیراندازی کنید؛ چرا که پدرتان تیرانداز بود تیراندازی کنید و من نیز با بنی فلان هستم. سلمه می‌گوید: گروه دیگر دست از تیراندازی کشید. رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: تیراندازی کنید که من با همه‌ی شما هستم.^(۱)

سوّم: در جواز مسابقه است اجماع دارد:

از شوافع امام نووی در شرح مسلم، از مالکیه ابن عبدالبر در کتاب «التمهید»، از احناف جصاص در کتاب «مختصر اختلاف الفقهاء» و از حنابله ابن قدامه در کتاب «المغنی» اجماع را نقل نموده‌اند. بنابراین جواز مسابقه‌ی اسب‌سواری و تیراندازی از طریق کتاب و سنت و اجماع امت به ثبوت رسیده است. مسابقات اتومبیل رانی، موتور سواری، هواپیما - که در جهاد نیز قابل استفاده‌اند - را می‌توان بر مسابقه‌ی اسب

۱- روایت بخاری و مسلم، در کتاب جهاد.

سواری قیاس نمود. مسابقه‌ی به هدف زدن با سلاح‌های مدرن را نیز می‌توان بر مسابقه‌ی تیراندازی با کمان مقایسه کرد.

مسابقات کشتی‌گیری

در روایت آمده است:

«وَرَدَ أَنْ زُكَّانَةَ صَارَعَ النَّبِيَّ ﷺ فَصَرَعَهُ النَّبِيُّ ﷺ»

در روایت آمده است که رکانه با پیامبر ﷺ کشتی گرفت و پیامبر ﷺ او را مغلوب ساخت.

رکانه در بین عرب‌ها یک کشتی‌گیر (پهلوان) معروف بود. او از رسول الله ﷺ درخواست نمود که با او کشتی بگیرد. رسول الله فرمود: اگر مسلمان شوی کشتی می‌گیرم. اما او گفت: بجای آن یک صد شتر می‌دهم. بار اول که رسول الله ﷺ او را بر زمین زد، برای بار دوم گفت: صد شتر دیگر می‌دهم. باز هم رسول الله ﷺ او را بر زمین زد. بار سوم هم گفت: صد شتر می‌دهم. باز هم رسول الله ﷺ او را بر زمین زد. رکانه گفت: این سیصد شتر آماده است. رسول الله ﷺ شترها را پذیرفت. پس از مدتی رکانه مسلمان شد و گفت: از همان روز مسلمان شده‌ام.^(۱)

مسابقات وزنه‌برداری

«رُؤِيَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجَرًا لِيَعْلَمُوا

الشَّدِيدَ مِنْهُمْ فَلَمْ يُنْكِرْ عَلَيْهِمْ» روایت شده است که گذر پیامبر ﷺ بر مردمانی

۱- روایت ابوداود، ترمذی و حاکم.

افتاد که سنگی را بلند می کردند تا افراد نیرومند و قوی خود را بشناسند رسول الله ﷺ آن را دید و انکار نفرمود^(۱)

حکم مسابقات اسب سواری و تیراندازی

مسابقه نیز مانند هر چیز دیگر می تواند شامل یکی از پنج حکم ذیل باشد:

- ۱- واجب، در صورتی که جهاد بر آن منوط و وابسته باشد.
- ۲- سنت، در صورتی که جهاد به آن وابسته نباشد، ولی کسب مهارت و تردستی تنها از طریق آن حاصل شود.
- ۳- مباح، در صورتی که با هدف جهاد نباشد؛ مثل فراگیری و انجام آن طبق میل و خواسته ی درونی و بدون هیچ انگیزه ای دیگر؛ چرا که ارزش اعمال به نیت ها بستگی دارد.
- ۴- حرام، در صورتی که با هدف کسب مهارت و آمادگی جهت راهزنی و دزدی و یا با پایمال کردن و عدم انجام نماز و یا وقت کشی بیهوده و بی هدف باشد.
- ۵- مکروه، در صورتی که با هدف فخر فروشی و ریا و تظاهر باشد.

مسابقات شطرنج

نزد شافعی ها بازی شطرنج و مسابقات آن جایز است؛ برای اینکه

۱- روایت ابونعیم در جزء ریاضة الابدان، ابن مبارک در کتاب «الزهد»، بزار در کتاب کشف الاستار، ابوعبید در کتاب غریب الحدیث و معمر بن راشد بصورت موقوف از ابن عباس در کتاب الجامع

در شطرنج اعمال فکر صورت می‌گیرد و انسان با آن می‌تواند نیروی تفکر خود را رشد دهد.

خلاصه، آنچه از دلایل شرعی بدست می‌آید اینکه مسابقات بدون عوض جایز است، آن هم در تمام بازی‌هایی که هدف از آن آسایش خیال، یا آموختن و تمرین کردن، یا ورزیدگی و تقویت جسم باشد؛ مشروط بر اینکه انسان را از عبادت فرض باز ندارد و کسی یا چیزی از طریق آن اذیت و آزار نبیند و حرامی با آن نیویزد و به فساد منجر نشود. بنابراین مسابقات در کشتی، شنا، اسب سواری، تیراندازی، قایق رانی، پرش (با انواع مختلف آن) وزنه برداری و دیگر مسابقات که در آن‌ها خلاف شرع وجود ندارد و در مجموع برای جسم، فکر، سلامت اعضا و خوش اخلاقی مفید باشند، جایز هستند.

اما آن دسته از مسابقات که نه تنها سودمند نیستند، بلکه زیان‌آور نیز هستند، مثل به جنگ انداختن خروس‌ها، سگ‌ها، گاوها و... از این گونه کارها در احادیث صحیح ممانعت بعمل آمده است:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ الْبَهَائِمِ» پیامبر خدا ﷺ از جنگ دادن حیوانات با هم منع فرمودند (۱)

هم چنین نشانه قرار دادن حیوان زنده جایز نیست. مسابقاتی که در آن‌ها خشونت و وحشی‌گری وجود داشته باشد و بر سنگ‌دلی دلالت داشته باشند، مثل مسابقات مشت زنی و کشتی آزاد که یکدیگر را بیرحمانه می‌کوبند و مجروح می‌کنند، حرام هستند و نه تنها نشانه‌ی فرهنگ و پیشرفت نیستند، بلکه عین بی‌فرهنگی و وحشی‌گری هستند.

در مورد حرمت نشانه قرار دادن حیوان جاندار در حدیث آمده است:
 «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَعَنَ مَنْ اتَّخَذَ شَيْئاً فِيهِ الرُّوحُ غَرَضاً»
 پیامبر خدا ﷺ نفرین فرمود کسی را که موجودی جاندار را هدف قرار دهد (و به سوی
 آن تیر پرتاب کند) ^(۱)

حکم جوایز مسابقات

جوایز به چهار صورت می‌تواند در مسابقات تعیین شود:

۱- جوایز را کسی غیر از مسابقه دهندگان بدهد. به این صورت که فردی خیر بگوید: شما چند نفر با هم مسابقه بدهید. هر کس اول شد به او هزار تومان می‌دهم. به اتفاق همه این نوع جوایز جایز است. برای اینکه با این جوایز افراد تشویق می‌شوند تا اسب سواری و تیراندازی و قایق رانی و غیره را فراگیرند که همه برای جهاد مفید هستند. به این طریق افراد بیشماری ورزیده و کارآزموده پدید می‌آیند.

۲- جوایز را یکی از دو طرف مسابقه تقبل کند. به این صورت که بگوید اگر من اول شدم این هزار تومان به عنوان جایزه از آن خودم خواهد بود و اگر تو اول شدی، از آن تو خواهد بود. این نوع جوایز هم به اتفاق جایز است. برای اینکه این نوع جایزه، انگیزه‌ای است تا هر کدام بکوشد که اول شود. از حکم قمار نیز خارج است.

۳- دو طرف مسابقه مبلغی را به عنوان جایزه در وسط بگذارند. به این صورت که زید بگوید: من هزار تومان برای مسابقه می‌گذارم. اگر عمر اول شد، از آن او و اگر من اول شدم از آن خودم خواهد بود. عمر نیز

۱- روایت بخاری و مسلم از طریق ابن عمر رضی الله عنهما.

بگوید: من هزار تومان برای مسابقه می‌گذارم. اگر زید اول شد از آن زید و اگر من اول شدم، از آن خودم.

پیدا است که اگر زید جلو افتاد، هم هزار تومان خودش را دارد و هم هزار تومان عمر را تصاحب خواهد کرد. هم چنین اگر عمر جلو افتاد، هم هزار تومان خودش را دارد و هم هزار تومان زید مال او خواهد شد. چنین جایزه‌ای حکم قمار را دارد؛ مگر اینکه فرد سومی بیاید و با آن‌ها در مسابقه شرکت کند. به این صورت که او چیزی نپردازد. فقط اگر او اول شد، هم هزار تومان زید و هم هزار تومان عمر را مالک خواهد شد و اگر اول نشد، چیزی از دست نداده است. چنین فردی «محلّل» نامیده می‌شود. جمهور علماء بر این عقیده‌اند که اگر دو طرف مسابقه جایزه را تعیین می‌کنند، باید فرد سومی به عنوان «محلّل» میانشان وجود داشته باشد.

ابن تیمیه و ابن قیم گفته‌اند: جایز است که دو طرف مسابقه، جایزه را بپردازند و نیازی به محلّل وجود ندارد. آنان برای دیدگاه خود دلایلی عرضه نموده‌اند:

۱- مبنای عقود و قراردادها بر جواز است، مگر آنچه با دلیل استثناء شود. احادیثی که در خصوص محلل روایت شده‌اند، هیچ کدام از ضعف و نقد عاری نیست.

به فرض اینکه صحیح باشند، معنای آن چنین خواهد بود که اگر دو نفر با هم مسابقه دادند و سومی آمد و میانشان داخل شد، اگر این فرد سوم یقین دارد که اوّل می‌شود، داخل شدن او در دور مسابقه، در حکم قمار داخل است. و اگر مطمئن نیست که اول شود و تنها احتمال می‌دهد که

برنده شود، حکم همان دو را دارد، و عقود بر پایه‌ی عدل و داد استوارند.

۲- رسول الله ﷺ مسابقه در «نصل»، «خف» و «حافر» را به طور مطلق جایز قرار داده و نامی از محلّ نبرده است. مسلماً اگر وجود محلّ شرط می‌بود، باید بیان می‌فرمود؟

۳- وجود «محلّ» معنای قمار را از بین نمی‌برد، بلکه خطر قمار را بالا می‌برد.

۴- مشروط قرار ندادن وجود «محلّ» برای صحت مسابقه، به عدالت نزدیک‌تر است. چیزی که هست، جمهور علما با آن مخالفند. در مورد گونه‌ی سوم مسابقه که عبارت از این بود که دو طرف مسابقه از جیب خود جایزه را می‌پردازند و یک «محلّ» میان خود قرار می‌دهند، علماء سه دیدگاه دارند:

نخست: جایز است؛ برای اینکه حدیث به صحت آن دلالت دارد. در حدیثی به روایت ابوهریره رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه آمده است:

«إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَابَقَ بَيْنَ الْخَيْلِ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا سَبَقًا وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا مُحَلَّلًا وَ قَالَ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصْلٍ» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسابقه‌ی اسب سواری گذاشت و جایزه‌ای برای دو طرف مسابقه تعیین فرمود و یک محلّ میانشان داخل کرد و فرمود: مسابقه جز در شتر، اسب و تیراندازی (جایز) نیست^(۱).

دوم: جایز نیست. این دیدگاه امام مالک است. امام مالک می‌فرماید: جوهر قمار در این مسابقه وجود دارد؛ برای اینکه هر یک از دو طرف مسابقه هم احتمال دارد برنده شود هم بازنده.^(۲)

سوم: جواز پرداخت جایزه از سوی دو طرف مسابقه و آوردن

۲- رک: الذخيرة، منح الجليل، بلغة السالك

۱- روایت ابن حبان.

محلّ، به مسابقات اسب سواری اختصاص دارد. این دیدگاه ظاهریه است. ظاهر حدیث پیشین همین چیز را می‌رساند^(۱). خلاصه اینکه اگر جایزه را یکی از دو طرف مسابقه می‌پرداخت، در جواز آن اتفاق نظر وجود دارد. اگر جایزه را هر دو مسابقه دهنده از جیب خود می‌پرداختند و محلّ نیز وجود داشت، طبق نظر جمهور جایز است. ابن حجر می‌گوید که ابن قیم در پایان عمر همین دیدگاه را پذیرفته است.^(۲)

از آنچه گذشت کاملاً روشن شد که هدف از مسابقات اسب سواری کسب آمادگی و ورزیدگی در جهاد است و این موضوع با آنچه امروزه در مسابقات وجود دارد، کاملاً تفاوت دارد؛ چرا که امروزه نیز مسابقات اسب سواری راه انداخته می‌شود و اسب‌ها شماره‌گذاری می‌شوند و کسانی که پول را می‌پردازند، خود سواران اسب نیستند، بلکه تماشاگراند و نظاره می‌کنند که اسبی که برایش پول داده‌اند، آیا برنده می‌شود تا پول بیشتر به جیب بزنند و یا بازنده می‌شود تا پول خود را از دست بدهند. بنابراین مسابقات امروزی عیناً قمار محسوب می‌شوند و به هیچ وجه جایز نیستند.

جوایز علمی

حنفیان این نوع مسابقه را جایز دانسته‌اند؛ برای اینکه هنگامی که ایرانیان آتش پرست بر مسیحیان پیروز شدند - و مسلمانان می‌خواستند اهل کتاب پیروز شوند - قرآن خبر داد که چند سال بعد رومیان

(مسیحیان) پیروز خواهند شد؛ ابوبکر صدیق رضی الله عنه با اُبی بن خلف قرار گذاشت اگر رومیان ظرف سه سال بر ایرانیان پیروز شدند، اُبی ده شتر به حضرت صدیق بدهد. رسول الله صلی الله علیه و آله از صدیق خواست که مدت زمان را بیشتر کند و به جای سه سال، نه سال تعیین کند و مبلغ تعیین شده را بیشتر نماید. ابوبکر صدیق رضی الله عنه همین کار را کرد؛ مدت زمان را به نه سال افزایش داد و بر تعداد شتران افزود و به یک صد شتر رساند.

قرار بر این شد که اگر رومیان شکست خوردند، حضرت صدیق رضی الله عنه صد شتر به اُبی بدهد و اگر پیروز شدند، صد شتر از او بگیرد. در سال ۶۱۴ میلادی خسرو پرویز، هراکلیوس را شکست داد و انطاکیه، دمشق و بیت المقدس را اشغال نمود، کلیسای قیامت را آتش زد و صلیب مسیحیان را به ایران برد. هراکلیوس آرام ننشست، خود را آماده کرد و در سال ۶۲۲ میلادی خسرو پرویز را شکست داد و صلیب را باز پس گرفت. اینجا بود که حضرت صدیق برنده شد و صد شتر از اُبی گرفت و طبق دستور رسول الله صلی الله علیه و آله آن‌ها را صدقه نمود. در سال ۶۲۳ هـ غزوه‌ی بدر رخ داد و اسلام برای همیشه بر بت پرستی پیروز شد. برخی از علماء این قرار داد را جایز دانسته‌اند و دریافت جایزه را به خاطر امور علمی جایز دانسته‌اند.

عطاء از شاگردان ابن عباس هر نوع مسابقه‌ای را جایز می‌داند. نزد شافعی‌ها، مسابقات جایز در اسب و شتر خلاصه نمی‌شود، بلکه مسابقات استر و فیل را هم جایز می‌دانند. خلاصه، هر پدیده‌ای که در جهاد مورد استعمال قرار گیرد، اعم از حیوان، ماشین، قطار، هواپیما و... مسابقات آن‌ها جایز است. جواز مسابقه‌ی تیراندازی شامل تمام سلاح‌های

پیشرفته و جدید می‌شود.

مسابقات کشتی و شنا نیز جایز است؛ بویژه که شنا در امر نجات آدم در حال غرق شدن بسیار مفید و سودمند است.

در مورد جواز مسابقات بدون جایزه جای هیچ سخنی نیست. در مورد جواز مسابقات با جایزه علما اختلاف نظر دارند، ولی اگر در جهاد مفید و کارآمد باشد، باز هم روا خواهد بود.

هر چند در حدیث، مسابقات در تیراندازی، اسب‌سواری و شترسواری محدود شده، ولی دیگر مسابقات رانیز می‌توان بر آن‌ها قیاس نمود و حکم جواز داد. در حدیث آمده است:

«لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِأَحَدٍ ثَلَاثٍ: الثَّيْبُ الزَّانِي وَ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ، وَ التَّارِكُ لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ» خون انسان مسلمان تنها به سبب یکی از مواد زیر حلال است: آدم متاهل زناکار، جان در مقابل جان و کسی که دینش را رها می‌کند و از جماعت (مسلمانان) جدا می‌شود.^(۱)

بر سه مورد فوق می‌توان قتل ساحر و جاسوس رانیز افزود، که این نوعی قیاس به شمار می‌رود.

در حدیثی صحیح به روایت احمد، ابن ابی شیبه، ترمذی، ابن ماجه و طبرانی آمده است:

«كُلُّ مَا يَلْهُو بِهِ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ بَاطِلٌ إِلَّا رَمِيَهُ بِقَوْسِهِ وَ تَأْدِيَتُهُ فَرَسَهُ وَ مُلَاعَبَتُهُ أَهْلَهُ فَإِنَّهُمْ مِنَ الْحَقِّ» هر آنچه انسان مسلمان با آن بازی می‌کند بیهوده است، مگر بازی کردنش با کمان تیراندازی، آموزش اسب و بازی با همسرش که این‌ها باطل نیستند و حق هستند.

۱-روایت بخاری و مسلم

مقصود از باطل و بیهوده بود لهو و بازی، حرام بودن آن نیست، بلکه بیهوده و بی فایده بودن آن است.

خلاصه هر آنچه مفید باشد و در جهاد کاربرد داشته باشد و موجب تقویت و سلامتی گردد، روا است.

لازم به یادآوری است که ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم، مسابقات را به سه دسته تقسیم نموده‌اند:

۱- یک نوع آن است که خدا و پیامبر به انجام آن دستور داده‌اند مثل مسابقات اسب‌سواری، شتر سواری و تیراندازی. این نوع مسابقه با جایزه و بدون جایزه، جایز است.

۲- نوع دیگر مسابقات نزد خدا و پیامبر مبعوض و منفورند. مثل مسابقاتی که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد و یا سبب ایجاد بغض و نفرت و دشمنی می‌شود، این نوع مسابقات به اجماع علماء با جایزه و بدون جایزه، جایز نیستند.

۳- نوعی دیگر از مسابقات وجود دارد که در بردارنده‌ی مصالحی است؛ از نوع مسابقاتی است که خدا و پیامبر آن‌ها را دوست دارند، ولی بدان‌ها امر نفرموده‌اند، مثل مسابقات دو، کشتی، شنا، وزنه برداری. این نوع مسابقات بدون جایزه، صحیح‌اند.

تقسیم بندی فوق جالب است؛ اما اینکه در قسم سوم مسابقه با جایزه صحیح نیست، اشکال وجود دارد، چرا که با جایزه هم صحیح است.

حکم قرارداد مسابقه

علماء در این مورد دو دیدگاه دارند:

یک: نزد حنفی‌ها، حنبلی‌ها و شافعی‌ها، عقد مسابقه عقدی است جایز، چون در این عقد، جایزه در برابر چیزی پرداخت می‌شود که دست‌یابی به آن قطعی نیست، برای اینکه اول شدن یا خوردن تیر به هدف، امری قطعی نیست. بدین جهت هر کدام از دو طرف قرارداد، قبل از شروع مسابقه حق فسخ آن را دارد. در صورتی که فرد بازنده از پرداخت سهم خود سرباز زند، قاضی نمی‌تواند او را مجبور کند. دو: مالکی‌ها بر این باورند که عقد مسابقه عقدی لازمی است، چرا که اصل در عقود، لزوم است. با توجه به دلایل، دیدگاه نخست قوی‌تر است.

از این نظر که جایزه را چه جهتی می‌پردازد، چهار صورت برای آن متصور است:

نخست: دهنده‌ی جایزه کسی غیر از مسابقه دهندگان باشد؛ به این صورت که فردی خیر به مسابقه دهندگان بگوید که هر کدام از شما اول شد من ده هزار تومان به عنوان جایزه به او می‌دهم و هر کس دوم شد، من پنج هزار تومان به او می‌دهم، و هر کس سوم شد، به او سه هزار تومان می‌دهم. این نوع به اتفاق علماء جایز است.

دوم: یکی از دو طرف مسابقه دهنده، جایزه را بپردازد. به این صورت که یکی از دو طرف مسابقه بگوید: اگر تو اول شدی، من ده هزار تومان به تو می‌دهم و اگر خودم اول شدم از تو چیزی نمی‌خواهم. این نوع هم به اتفاق علماء جایز است. البته آنچه در مذهب امام مالک مشهور است اینکه جایزه به فردی که آن را تقبل کرده بر نمی‌گردد. اگر طرف مقابل برنده شد به او می‌رسد و اگر خودش برنده شد جایزه به کسی می‌رسد که

در مرتبه‌ی دوم و پس از او قرار دارد. پس جایزه به خود پرداخت کننده‌ی آن بر نمی‌گردد.

سوم: جایزه را هر دو مسابقه دهنده تقبل کنند، بدون آن که میان خود محللی بیاورند. به این صورت که هر کدام به دیگری بگویند: اگر تو اول شدی این مبلغ جایزه را نزد من داری و اگر من اول شدم باید همان مبلغ را به من بدهی. علماء در مورد این مسأله چند دیدگاه دارند:

دیدگاه نخست: جمهور علماء بر این عقیده‌اند که این صورت قمار محض است؛ برای این که هر کدام ممکن است برنده شود و یا بازنده در حدیثی صحیح به روایت ابوداود از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کسی که برای مسابقه، اسب خود را میان دو اسب قرار داد و مطمئن نبود که اسب او از آن دو اسب جلو می‌افتد، قمار نیست. و کسی که اسبی را میان دو اسب قرار داد و مطمئن بود که اسبش از آن دو اسب برنده می‌شود، این قمار است (یعنی اسب شخص سوم باید مانند دو اسب دیگر باشد تا حکم محلل داشته باشد. به گفته‌ی دیگر وقتی که محلل باشد و اسب او مانند دو اسب دیگر نباشد، نه تنها محلل نخواهد بود، بلکه قمار خواهد بود.)

متن حدیث از این قرار است:

«مَنْ أَدْخَلَ فَرَسًا بَيْنَ فَرَسَيْنِ وَ هُوَ لَا يَأْمَنُ أَنْ يَسْبِقَ فَلَيْسَ بِقُمَارٍ وَ مَنْ أَدْخَلَ فَرَسًا بَيْنَ فَرَسَيْنِ وَ قَدْ أَمِنَ أَنْ يَسْبِقَ فَهُوَ قُمَارٌ»

دیدگاه دوم: ابن تیمیه و ابن قیم قایل به جواز آنند؛ یعنی اگر هر دو مسابقه دهنده،

از وسط جایزه را بدهند، بی آنکه محللی در میان باشد، جایز است.^(۱)

سوم: دو مسابقه‌دهنده، از جیب خود جایزه را بدهند و میان خود محللی قرار دهند؛ آن هم در صورتی که اسب او مثل دو اسب دیگر باشد. علماء در این مورد سه دیدگاه دارند: دیدگاه نخست این است که در نظر جمهور علماء جایز است؛ چنان چه در این مورد روایت ابوهریره و نیز حدیث ابن عمر رضی الله عنهما گذشت. دیدگاه دوم این که این صورت جایز نیست. دیدگاه امام مالک همین است. دیدگاه سوم اینکه صحیح است، ولی صرفاً در مسابقه‌ی اسب، نه مسابقات دیگر. امام داود ظاهری قایل به همین دیدگاه است، چون جواز چنین مواردی را منحصر به آنچه در نص آمده می‌داند و قیاس را درست نمی‌داند.

مسابقات علمی و جوایز موسسات

در خصوص مسابقات اسب دوانی و غیره توضیح دادیم که مقصود از مسابقه، ورزشیده شدن افراد در سوارکاری و قدرتمند شدن در جهاد است؛ اما آنچه امروزه مرسوم است که چند اسب را در پیست مسابقه می‌گذارند و خلق برای تماشا می‌آیند و هر اسبی شماره‌ای دارد و هر شماره کارتی دارد که مردم می‌خرند و می‌نشینند تا ببینند که کدام شماره برنده می‌شود، این نوع مسابقه قمار محض است.

اکنون از مسابقات علمی صحبت می‌کنیم که موسسات علمی و رسانه‌ها اعم از صدا و سیما آن‌ها را ترتیب می‌دهند. به این صورت که از مردم دعوت می‌کنند تا در آن شرکت نمایند و یک سری پرسش‌های

دینی، تاریخی، ورزشی، علمی و... طرح می‌کنند تا هر کس پاسخ صحیح بدهد، جایزه بگیرد. این کار درست است؛ چرا که معلومات مردم در علوم و فنون مختلف بالا می‌رود و آگاهی و شخصیت هر فردی مشخص می‌گردد. اسلام نیز همین را می‌خواهد؛ چون هر کاری که موجب پیشرفت تمدن و فرهنگ شود در اسلام ارزشمند است.

رسول الله ﷺ نخستین کسی است که این گونه مسابقات را پایه گذاری فرمود. در صحیح بخاری، کتاب العلم، بابی با این عنوان وجود دارد:

«باب طرح الامام المسألة على أصحابه ليختبر عندهم من العلم»

این باب در بیان این است که امام مسئله‌ای را برای یارانش طرح می‌کند، تا میزان علم و دانش آن‌ها را بیازماید.

پس از آن حدیث عبدالله عمر رضی الله عنه را آورده است:

عن النبي ﷺ قال: «إِنَّ مِنَ الشَّجَرِ، شَجَرَةً لَا يَسْقُطُ وَرَقُهَا وَإِنَّهَا مِثْلَ الْمُسْلِمِ فَحَدِّثُونِي مَا هِيَ» حضرت فرمود: از میان درختان، درختی است که برگ‌های آن نمی‌ریزد (یعنی همه چیز آن مفید است) این درخت مثال شخص مسلمان است (که همه کارهای او سودمند است) به من بگویید آن چه درختی است؟

مردم به یاد درختان صحرا افتادند. کسی گفت: کهور است. دیگری گفت: کنار است. سومی گفت: کرت است. عبدالله بن عمر می‌گوید: در دلم افتاد که نخل است؛ اما شرم آمد که در حضور آن بزرگان نظر خودم را بگویم، تا اینکه رسول الله ﷺ فرمود: آن درخت نخل است. آن هم پس از اینکه صحابه گفتند: یا رسول الله، خودت بفرما که کدام درخت است.

نووی می‌گوید: مستحب است که شخص دانشمند مسایل علمی را برای یاران خود طرح نماید تا آنان را در راستای تحقیق در مسایل علمی تشویق کند.

نقل است که امام شافعی رحمته الله مسأله را برای پسرش عثمان و شاگردش حمیدی طرح می‌نمود و می‌فرمود: هر کدام پاسخ صحیح مسأله را گفت، یک مثقال طلا نزد من دارد. البته پرسش‌ها باید پرسش‌های سودمندی باشند، نه معما و مغالطه و مسایلی که در آن‌ها اشتباه زیاد وجود دارد و سودی در بر ندارند و صرفاً با این هدف طرح می‌شوند که شخص معلومات خود را به رخ دیگران بکشد.

خلاصه، اگر در مسأله‌ای اختلاف نظر بوجود بیاید و فقیهی بگوید هر کس دیدگاه صحیح را در این مسأله ارائه کند، این مبلغ به او جایزه می‌دهم، کار خوب و پسندیده‌ای کرده است. مسایلی که مطرح می‌شوند، باید مسایل علمی و سودمند باشند و معلومات عمومی را افزایش دهند. جایزه‌ای که داده می‌شود از خود مسابقه دهندگان نباشد، بلکه آدمی خیر آن را بپردازد که بدین وسیله مردم را به کوشش در راه علم وادارد. عملاً در مدارس مقرر است شاگردانی که ممتاز هستند، تقدیرنامه و جایزه دریافت می‌کنند، تا به این صورت باعث شود که دیگر شاگردان کوشش کنند و پایه‌ی علمی خود را تقویت نمایند.

به هر حال، مسابقه در هر عمل درستی جایز است و هر جایزه‌ای که بتواند نبوغ دانشمندان را رشد دهد و امت را از علم و دانش آنان بهره‌مند گرداند، هم بجا است و هم ثواب بزرگی دارد. مسابقات فوتبال نیز جایز است، بویژه اگر موجب تقویت جسمی

شود و نیروی جسمی و سلامتی را افزایش دهد. باید دانست که هر یک از بازی‌ها باید از روی حساب و کتاب باشد و در زمان مشخصی انجام شود. نباید تمام وقت را بپر کند و انسان را از عبادت باز دارد.

اگر آدم خیری جایزه‌ی افراد برنده را بدهد نیز کار درستی است. در مسابقات، حفظِ خوش اخلاقی، کنترل زبان و زبان درازی نکردن از شرایط جواز و از عوامل موفقیت است.

جوایزی که موسسات تجاری و صنعتی می‌دهند، هر چند با هدف ترویج کالاهایشان باشد، باز هم جایز است، بویژه اگر با هدف تقویت علمی و عدم اضرار به غیر باشد.

هدایای یادگاری که برخی از نهادها به کارمندان خود می‌دهند از قبیل تقویم، سررسید، دفتر یادداشت، جا کلیدی و امثال آن‌ها جایز است. جوایزی که با هدف دلگرمی و جذب مشتری به خریداران داده می‌شوند، بی‌آنکه بر قیمت کالا بیفزایند، نیز جایزند. مثلاً اگر بگوید: خانه‌ات را در مقابل یک صد هزار درهم می‌خرم و تو ساعت خودت را به من بدهی. این نیز جایز است.

هدایای اعلانی که عبارت از نمونه‌هایی است که جهت معرفی کالا داده می‌شوند، گرفتن این هدایا جایز است. مثل نمونه‌ی داروهای که به پزشکان داده می‌شود تا از آن استفاده کنند و دارو مصرف شود و بتواند بفروش برسد.

زیورآلات که طلا و نگین دارد، اگر طلا خریداری شود، نزد شافعی‌ها و حنبلی‌ها جایز نیست و نزد حنفی‌ها جایز است؛ برای اینکه می‌گویند نگین و غیره تابع طلا است و نزد مالکی‌ها اگر طلا از توابع آن بیشتر باشد جایز است. بنابراین خالی از شبهه نیست.

قرعه کشی

اگر چند جایزه برای چند نفر باشد، به این صورت که ده جایزه برای ده نفر باشد، قرعه کشی برای این منظور که هر کدام به حسب قرعه، جایزه‌ی خود را دریافت کند، جایز است. جوایز متفاوتند، بعضی قلم، برخی ساعت و... در چند برگ کوچک نام قلم را می‌نویسند و آن‌ها را لوله می‌کنند و در چند برگ دیگر نام ساعت را می‌نویسند و تا می‌کنند و به هر کدام می‌گویند که یکی از آن‌ها را بردارد. به این صورت جوایز مشخص می‌شوند.

خلاصه، مسابقاتی که در آن‌ها فایده باشد و مخالف شرع نباشند و با اوقات نماز و عبادت تزاخم نداشته باشند، جایز هستند. جوایز مسابقات در صورتی که مخالف شرع نباشند، گرفتن آن‌ها جایز است، مسابقات علمی، ورزشی، ادبی، تاریخی و... جایزند.

توصیه

انسان مسلمان باید در تمام کارهایش رضایت و خوشنودی خدا و پیروی از رسول خدا و احسان به خلق را مد نظر داشته باشد. ذکر نام خدا، سپاس از خدا، عمل برای رضای خدا و پیروی از رسول خدا در تمام کارها و وظیفه‌ی انسان مسلمان است. وصلی الله و سلم علی سیدنا محمد و آله و صحبه و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

پایان: شنبه، ساعت ۲

۱۴۲۴/۳/۲۳